

نیروهای تغییر در آموزش عالی و پیامدهای آن برای آکادمی حسابداری

زهرا سادات حسینی^{۱*}

محبوبه پناهی تل زالی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نیروهای تغییر در آموزش عالی و پیامدهای آن برای آکادمی حسابداری می‌باشد. این مقاله به تحلیل و ارزیابی ادبیات موجود در زمینه نیروهای تغییر در آموزش عالی می‌پردازد و تلاش دارد تا اطلاعات کاربردی و مفیدی را ارائه دهد. در این مقاله مروری، سعی شده است تا جمع‌بندی کلی از تحقیقات و نتایج پژوهش‌های گذشته در زمینه مورد نظر فراهم نماید. اساتید حسابداری باید نیروهای تغییر در آموزش عالی و همچنین وضعیت فعلی برنامه‌های حسابداری را درک کنند. در بخش اول مقاله به نیروهای تغییر در آموزش عالی می‌پردازیم. از نظر نیروهای مالی در این پژوهش افزایش شهریه، کاهش بودجه مالیاتی، و افزایش تقاضا برای آموزش عالی از جمله موارد قابل توجه در این زمینه می‌باشند. همچنین در بخش دوم مقاله پیامدهای آن را برای حسابداری آکادمیک را که شامل پیامدهای برنامه‌های حسابداری و پیامدهای فردی اعضای هیئت علمی حسابداری در نظر می‌گیریم. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش عالی به گونه‌ای اساسی، در حال تغییر است. پیشرفت‌های فناوری، تغییرات دانشجویان، افزایش بدهی دانشجویی، کاهش حمایت دولتی و سایر عوامل، همگی تأثیرات خود را بر آکادمی حسابداری می‌گذارند. این تغییرات منجر به افزایش رقابت بین دانشگاه‌ها، افزایش توجه به آموزش‌های کاربردی و مهارت‌محور و شکاف مهارت/صلاحیت در بازار کار شده است. آکادمی حسابداری باید به این تغییرات پاسخ دهد و خود را با آنها سازگار کند تا در عرصه عمل، حرفی برای گرفتن داشته باشد. این امر مستلزم مشارکت فعال اعضای هیئت علمی، بازنگری در برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس و ایجاد همکاری‌های درون و برون دانشگاهی است.

واژگان کلیدی

نیروهای تغییر، آموزش عالی، آکادمی حسابداری، نیروهای فناوری، نیروهای مالی

۱. گروه حسابداری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول: Za.Hosseini@iau.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (Mahbobpanhi614@gmail.com)

مقدمه

در یک نگاه، خبرهای خوبی برای مدرسان حسابداری در آموزش عالی وجود دارد. تعداد دانشجویان حسابداری در حال افزایش است و استخدام فارغ التحصیلان این رشته نیز رو به افزایش است (ویان^۱، ۲۰۱۵). کمبود مدرسان حسابداری در دانشگاه‌ها همچنان ادامه دارد. این امر فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای مناسبی را برای مدرسان فعال و افرادی که از حسابداری عملی به دانشگاه می‌آیند، فراهم می‌کند. (بویل^۲ و همکاران، ۲۰۱۵).

صنعت آموزش عالی در حال حاضر با تغییرات زیادی روبرو است. این تغییرات شامل افزایش هزینه‌های تحصیل، کاهش بودجه دولتی برای آموزش عالی، افزایش رقابت از سوی موسسات آموزش عالی آنلاین و ظهور فناوری‌های جدید در آموزش است. این تغییرات می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر مدرسان حسابداری داشته باشند. برای مثال، افزایش هزینه‌های تحصیل ممکن است باعث کاهش تعداد دانشجویانی شود که قادر به بهره‌مندی از آموزش حسابداری هستند. کاهش بودجه دولتی نیز ممکن است منجر به کاهش فرصت‌های شغلی برای مدرسان حسابداری گردد. همچنین، افزایش رقابت از سوی موسسات آموزش عالی آنلاین می‌تواند درآمد مدرسان حسابداری را کاهش دهد. ظهور فناوری‌های جدید در آموزش ممکن است منجر به تغییر در نحوه تدریس حسابداری شود. بنابراین، برای مدرسان حسابداری مهم است که به تأمل در وضعیت صنعت آموزش عالی بپردازند. این تأمل می‌تواند به مدرسان کمک کند تا از تغییرات آینده آگاه باشند و خود را برای آنها آماده کنند (زاگرمین^۳، ۲۰۱۵).

نیروهای مالی^۴ یکی از مهم‌ترین نیروهایی هستند که در حال حاضر بر آموزش عالی تأثیر می‌گذارند. این نیروها شامل افزایش شهریه، کاهش بودجه مالیاتی، و افزایش تقاضا برای آموزش عالی هستند. افزایش شهریه یکی از چالش‌برانگیزترین مسائلی است که آموزش عالی با آن مواجه است. شهریه دانشگاه‌ها در دهه‌های اخیر به طور پیوسته افزایش یافته است این افزایش شهریه باعث شده است که دسترسی به آموزش عالی برای بسیاری از افراد دشوارتر شود (پینکوس و همکاران^۵، ۲۰۱۷).

کاهش اثرات مالیاتی^۶ نیز یکی دیگر از نیروهای مالی بوده که بر آموزش عالی تأثیر می‌گذارد. دولت در دهه‌های اخیر بودجه کمتری را به آموزش عالی اختصاص داده است. این کاهش بودجه باعث شده است که دانشگاه‌ها برای تأمین مالی خود به منابع دیگری مانند شهریه و کمک‌های مالی خصوصی متکی شوند. افزایش تقاضا برای آموزش عالی نیز یکی دیگر از نیروهای مالی مهم در آموزش عالی است (پینکوس و همکاران، ۲۰۱۶).

در همین راستا، یکی از پدیده‌های جدیدی که به روی کار آمده و نقش مهمی در کاهش مشکلات مالی و همچنین توسعه آموزش عالی داشته، شکل‌گیری و گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان و همکاری این شرکت‌ها با دانشگاه‌ها است. این شرکت‌ها که بر پایه دانش و فناوری نوین تأسیس می‌شوند، با دانشگاه‌ها همکاری می‌کنند تا تحقیقات علمی و فناوری‌های جدید را به محصولات و خدمات قابل تجاری‌سازی تبدیل کنند. این همکاری‌ها می‌توانند منابع مالی

¹ Vien

² Boyle

³ Zuckerman

⁴ Financial Forces

⁵ Pincus

⁶ Tax Effects

جدیدی را برای دانشگاه‌ها فراهم کنند و همچنین به ارتقاء کیفیت آموزشی و پژوهشی کمک کنند (پرکمن و والش^۱، ۲۰۰۷).

مطالعات نشان می‌دهد که همکاری شرکت‌های دانش‌بنیان با دانشگاه‌ها نه تنها به افزایش درآمد دانشگاه‌ها منجر می‌شود بلکه به توسعه فناوری‌های نوین و افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی نیز کمک می‌کند. دانشگاه‌ها با ایجاد مراکز نوآوری و پارک‌های علمی، بستری مناسب برای رشد شرکت‌های دانش‌بنیان فراهم می‌کنند و این همکاری‌ها می‌تواند منجر به افزایش اختراعات و نوآوری‌های علمی شود. این همکاری‌ها همچنین به دانشگاه‌ها امکان می‌دهد تا منابع مالی بیشتری برای تحقیق و توسعه جذب کنند و به این ترتیب، کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها افزایش یابد. در نتیجه، شکل‌گیری و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و همکاری آن‌ها با دانشگاه‌ها می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر برای مقابله با کاهش بودجه دولتی و افزایش تقاضا برای آموزش عالی باشد (اتزکویتز و ژو^۲، ۲۰۱۷).

در سال‌های اخیر، تقاضا برای آموزش عالی به طور پیوسته افزایش یافته است. این افزایش تقاضا باعث شده است که رقابت برای پذیرش در دانشگاه‌ها افزایش یابد و دانشگاه‌ها برای جذب دانشجویان، شهریه خود را افزایش دهند. این نیروهای مالی تأثیرات قابل توجهی بر آموزش عالی داشته‌اند. این تأثیرات شامل افزایش نابرابری در دسترسی به آموزش عالی، افزایش بدهی‌های دانشجویی، تغییر در ترکیب دانشجویان، تغییر در ساختار دانشگاه‌ها می‌باشد. افزایش نابرابری در دسترسی به آموزش عالی یکی از مهم‌ترین تأثیرات نیروهای مالی بر آموزش عالی است. افزایش شهریه باعث شده است که دسترسی به آموزش عالی برای افراد کم‌درآمد دشوارتر شود. این امر باعث شده است که نابرابری در دسترسی به آموزش عالی در برخی کشورها از جمله ایالات متحده افزایش یابد (هوسار و بیلی^۳، ۲۰۱۶).

تأثیرات مالی بر آموزش عالی و افزایش شهریه‌ها در کشورهای مختلف به شکل متفاوتی احساس می‌شود. در انگلستان، افزایش قابل توجه شهریه دانشگاه‌ها منجر به افزایش بدهی‌های دانشجویی و محدودیت دسترسی برخی افراد به آموزش عالی شده است (بولتون^۴، ۲۰۱۸). در مقابل آلمان، با ارائه آموزش عالی رایگان یا با شهریه پایین توانسته است نابرابری در دسترسی به آموزش عالی را به طور قابل توجهی کاهش دهد، هرچند که تقاضا برای ورود به دانشگاه‌ها همچنان بالاست (اورر^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). کانادا نیز با شهریه‌های متغیر بین استان‌ها، باعث افزایش بدهی‌های دانشجویی و نابرابری در دسترسی شده، اما برنامه‌های بورس تحصیلی و کمک‌های مالی در کاهش این نابرابری‌ها نقش داشته‌اند (آشر و مدو^۶، ۲۰۱۰). استرالیا با سیستم وام‌های هِلپ^۷ به کاهش فشار مالی بر دانشجویان کمک کرده است، اما بدهی‌های دانشجویی همچنان چالشی بزرگ باقی مانده است (نورتون و چراستیدتھام^۸، ۲۰۱۸). مقایسه بین این کشورها نشان می‌دهد که سیاست‌های مالی و حمایتی نقش تعیین‌کننده‌ای در دسترسی و برابری در آموزش عالی دارند. در حالی که کشورهایی مانند آلمان با ارائه آموزش عالی رایگان یا کم‌هزینه موفق به کاهش نابرابری شده‌اند، کشورهایی مانند انگلستان و کانادا

¹ Perkmann & Walsh

² Etzkowitz & Zhou

³ Hussar & Bailey

⁴ Bolton

⁵ Orr

⁶ Usher & Medow

⁷ HELP

⁸ Norton & Cherastidtham

با افزایش شهریه‌ها و وابستگی بیشتر به وام‌های دانشجویی با مشکلاتی مشابه ایالات متحده مواجه هستند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده اهمیت سیاست‌گذاری‌های مالی و حمایتی در تعیین میزان دسترسی به آموزش عالی است.

افزایش بدهی‌های دانشجویی نیز یکی دیگر از تأثیرات مهم نیروهای مالی بر آموزش عالی است. بسیاری از دانشجویان برای تأمین مالی تحصیلات خود مجبور به گرفتن وام دانشجویی می‌شوند. تغییر در ترکیب دانشجویان نیز یکی دیگر از اثرات نیروهای مالی بر آموزش عالی است. افزایش شهریه باعث شده است که دانشجویانی که از خانواده‌های کم‌درآمد هستند، بیشتر به سمت دانشگاه‌های دولتی بروند. این امر باعث شده است که ترکیب دانشجویان در دانشگاه‌ها تغییر کند و دانشجویانی از اقشار مختلف جامعه در دانشگاه‌های متفاوت، حضور داشته باشند (مراکز ملی آمار آموزش^۱، ۲۰۱۶).

تغییر در ساختار دانشگاه‌ها نیز یکی دیگر از ثرات نیروهای مالی بر آموزش عالی است. دانشگاه‌ها برای تأمین مالی خود مجبور به انجام تغییراتی در ساختار خود شده‌اند. به عنوان مثال، دانشگاه‌ها به سمت افزایش شهریه، جذب دانشجویان بین‌المللی، و ارائه برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت رفته‌اند. نیروهای مالی در حال حاضر یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که آموزش عالی با آن روبرو است. این نیروها تأثیرات قابل توجهی بر دسترسی، کیفیت، و ترکیب دانشجویان در دانشگاه‌ها داشته‌اند که قطعاً به مرور، بر آکادمی حسابداری تأثیرات قابل توجهی خواهد داشت (پینکوس و همکاران، ۲۰۱۷).

نیروهای مالی در آموزش عالی ایران را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

- منابع دولتی^۲
- منابع غیردولتی^۳

منابع دولتی شامل بودجه ای است که از سوی دولت به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی اختصاص می‌یابد. این منابع عمدتاً از طریق مالیات‌ها و سایر منابع درآمد عمومی تأمین می‌شوند. در سال ۱۴۰۱، سهم بودجه آموزش عالی از تولید ناخالص ملی ایران حدود ۰٫۸ درصد بوده است. این سهم در مقایسه با سایر کشورهای توسعه یافته بسیار پایین است (فیضی و بیرانوند، ۱۳۹۴).

منابع غیردولتی شامل شهریه دانشجویان، درآمدهای حاصل از خدمات آموزشی و پژوهشی، کمک‌های مالی بخش خصوصی و خیرین و سایر منابع است. در سال ۱۴۰۱، سهم منابع غیردولتی از بودجه آموزش عالی ایران حدود ۳۰ درصد بوده است. این سهم در مقایسه با سایر کشورهای توسعه یافته بسیار پایین است (فیضی و بیرانوند، ۱۳۹۴).

بررسی وضعیت نیروهای مالی در آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که این نظام در حال حاضر با چالش‌های متعددی مواجه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وابستگی شدید به منابع دولتی
- ناپایداری منابع دولتی
- عدم تنوع بخشی منابع مالی

¹ National Center for Education Statistics (NCES)

² Governmental Resources

³ Non-governmental Resources

وابستگی شدید به منابع دولتی باعث شده است که نظام آموزش عالی ایران در معرض نوسانات بودجه ای دولت قرار گیرد. این امر می تواند منجر به کاهش کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه ها شود. زیرا به منابع دولتی وابسته هستند و به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می گیرند. همچنین، ناپایداری منابع دولتی باعث شده است که دانشگاه ها نتوانند برنامه ریزی بلندمدت داشته باشند.

عدم تنوع بخشی منابع مالی نیز یکی دیگر از چالش های نظام آموزش عالی ایران است. در حال حاضر، منابع مالی دانشگاه ها عمدتاً از طریق شهریه دانشجویان و بودجه دولتی تأمین می شود. این امر باعث شده است که دانشگاه ها در تأمین منابع مالی مورد نیاز خود با محدودیت مواجه شوند (فیضی و بیرانوند، ۱۳۹۴).

برای بهبود وضعیت نیروهای مالی در آموزش عالی ایران، لازم است اقدامات زیر انجام شود:

- کاهش وابستگی به منابع دولتی
- ایجاد ثبات در منابع دولتی
- تنوع بخشی منابع مالی

کاهش وابستگی به منابع دولتی می تواند از طریق افزایش سهم منابع غیردولتی انجام شود. برای این منظور، لازم است اقداماتی مانند افزایش شهریه دانشجویان، توسعه خدمات آموزشی و پژوهشی غیردولتی، جذب کمک های مالی بخش خصوصی و خیرین و سایر اقدامات انجام شود.

ایجاد ثبات در منابع دولتی نیز می تواند از طریق ایجاد سازوکارهای قانونی و مالی مناسب انجام شود. این امر می تواند باعث شود که دانشگاه ها در تأمین مالی مورد نیاز خود با اطمینان بیشتری عمل کنند.

تنوع بخشی منابع مالی می تواند از طریق توسعه منابع جدید مالی مانند افزایش درآمدهای حاصل از سرمایه گذاری های دانشگاه ها، توسعه گردشگری علمی و سایر اقدامات انجام شود. با انجام این اقدامات، می توان وضعیت نیروهای مالی در آموزش عالی ایران را بهبود بخشید و زمینه را برای توسعه پایدار این نظام فراهم کرد (مرادی، ۱۳۹۸).

نیروهای مالی در آموزش عالی ایران و سایر کشورها از نظر منابع، ترکیب، و نحوه توزیع تفاوت های قابل توجهی دارند.

الف) منابع: در ایران، منابع مالی آموزش عالی عمدتاً از طریق بودجه عمومی تأمین می شود. در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، حدود ۹۷ درصد بودجه آموزش عالی ایران از محل بودجه عمومی تأمین شده است. منابع دیگری مانند شهریه دانشجویان، درآمدهای ناشی از فعالیت های پژوهشی و خدماتی دانشگاه ها، و کمک های خیریه و دولتی نیز نقشی محدود در تأمین مالی آموزش عالی ایران دارند. در سایر کشورها، منابع مالی آموزش عالی متنوع تر است. در کشورهای توسعه یافته، بخش خصوصی نقش مهمی در تأمین مالی آموزش عالی ایفا می کند. شهریه دانشجویان، کمک های مالی از سوی شرکت ها و مؤسسات خصوصی، و درآمدهای ناشی از فعالیت های پژوهشی و خدماتی دانشگاه ها از جمله منابع مالی آموزش عالی در کشورهای توسعه یافته هستند.

ب) ترکیب: در ایران، ترکیب منابع مالی آموزش عالی به گونه ای است که دانشگاه ها به شدت به بودجه عمومی وابسته هستند. این امر باعث شده است که دانشگاه ها در تأمین منابع مالی خود با محدودیت های جدی مواجه باشند. در سایر کشورها، ترکیب منابع مالی آموزش عالی متنوع تر است و دانشگاه ها از منابع مالی مختلفی می توانند بهره مند شوند.

این امر استقلال مالی دانشگاه ها را افزایش می دهد و به آنها امکان می دهد تا در شرایط مختلف اقتصادی، عملکرد خود را حفظ کنند (داغانی و مرادی، ۱۳۹۸)

ج) توزیع: در ایران، توزیع منابع مالی آموزش عالی به گونه ای است که بخش دولتی نقش غالب را ایفا می کند. دانشگاه های دولتی سهم عمده ای از بودجه آموزش عالی را دریافت می کنند. این امر باعث شده است که دانشگاه های دولتی از امکانات و تجهیزات بهتری نسبت به دانشگاه های غیردولتی برخوردار باشند. در سایر کشورها، توزیع منابع مالی آموزش عالی متنوع تر است و دانشگاه های دولتی و غیردولتی از فرصت های برابری برای تأمین مالی برخوردار هستند (داغانی و مرادی، ۱۳۹۸)

نیروهای فناوری^۱ یکی دیگر از مهم ترین نیروهایی هستند که در حال حاضر بر آموزش عالی تأثیر می گذارند. این نیروها شامل توسعه فناوری های جدید آموزشی، تغییر در نحوه یادگیری و کار، و افزایش انتظارات از آموزش عالی هستند. توسعه فناوری های جدید آموزشی یکی از مهم ترین نیروهای فناوری است که بر آموزش عالی تأثیر می گذارد. فناوری های جدید آموزشی مانند یادگیری الکترونیکی، یادگیری ماشینی، و واقعیت مجازی، نحوه یادگیری و تدریس را تغییر می دهند. این فناوری ها می توانند به دانشجویان کمک کنند تا مطالب را به روش های جدید و موثرتری بیاموزند. تغییر در نحوه یادگیری و کار نیز یکی دیگر از نیروهای فناوری است که بر آموزش عالی تأثیر می گذارد. در دنیای امروز، افراد باید بتوانند به سرعت یاد بگیرند و با تغییرات سازگار شوند (آتور و دورن^۲، ۲۰۱۳). فناوری می تواند به دانشجویان کمک کند تا این مهارت ها را توسعه دهند. افزایش انتظارات از آموزش عالی نیز یکی دیگر از نیروهای فناوری است که بر آموزش عالی تأثیر می گذارد. کارفرمایان به دنبال افرادی هستند که مهارت های فناوری را داشته باشند و بتوانند با فناوری کار کنند. آموزش عالی باید به دانشجویان این مهارت ها را بیاموزد تا بتوانند در بازار کار موفق شوند (پینکوس و همکاران، ۲۰۱۷).

نیروهای فناوری بر حرفه حسابداری^۳ تأثیرات قابل توجهی داشته است. فناوری های جدید مانند یادگیری ماشینی و هوش مصنوعی، می توانند به حسابداران کمک کنند تا کار خود را به روش های جدید و موثرتری انجام دهند. به عنوان مثال، فناوری های یادگیری ماشینی می توانند برای خودکارسازی فرآیندهای حسابداری مانند شناسایی و تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شوند. هوش مصنوعی نیز می تواند برای ارائه توصیه های حسابداری به حسابداران استفاده شود. فناوری همچنین می تواند به حسابداران کمک کند تا با تغییرات در بازار کار سازگار شوند. به عنوان مثال، فناوری می تواند به حسابداران کمک کند تا با مشتریان خود از راه دور ارتباط برقرار کنند. این امر می تواند به حسابداران کمک کند تا خدمات خود را به مشتریان بیشتری در سراسر جهان ارائه دهند (هود^۴، ۲۰۱۵).

بلاکچین^۵ با ویژگی های منحصر به فرد خود نظیر شفافیت، ردیابی و عدم تغییرپذیری می تواند تغییرات اساسی در حرفه حسابداری ایجاد کند. این فناوری که به عنوان یک دفتر کل توزیع شده^۶ عمل می کند، امکان دسترسی آسان به اطلاعات تراکنش ها و صحت سنجی آنها را فراهم می آورد، از تقلب و دستکاری در اسناد مالی جلوگیری می کند و اعتماد بیشتری

¹ Technological forces

² Autor & Dorn

³ Accounting profession

⁴ Hood

⁵ Blockchain

⁶ Distributed Ledger

به داده‌های حسابداری می‌بخشد. استفاده از قراردادهای هوشمند باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی در فرآیندهای حسابداری می‌شود. کاربردهای بلاکچین در حسابداری شامل ثبت خودکار تراکنش‌های مالی، مدیریت شفاف زنجیره تأمین و تسهیل محاسبه و پرداخت مالیات است. با این حال، پیچیدگی‌های فنی، چالش‌های قانونی و مقرراتی و مقاومت در برابر تغییر از موانع پذیرش گسترده این فناوری هستند. برای بهره‌برداری کامل از مزایای بلاکچین، نیاز به آموزش تخصصی، آمادگی سازمان‌ها و تدوین قوانین مناسب وجود دارد (قاسم و خربت^۱، ۲۰۲۰).

نیروهای فناوری می‌تواند به آموزش عالی^۲ کمک کند تا با چالش‌های پیش رو سازگار شود. فناوری می‌تواند به آموزش عالی کمک کند تا دسترسی به آموزش عالی را افزایش دهد، کیفیت آموزش را بهبود بخشد و هزینه‌های آموزش را کاهش دهد. افزایش دسترسی به آموزش عالی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که آموزش عالی با آن روبرو است. فناوری می‌تواند به افزایش دسترسی به آموزش عالی کمک کند. به عنوان مثال، فناوری می‌تواند به دانشگاه‌ها کمک کند تا برنامه‌های آموزشی خود را به صورت آنلاین ارائه دهند. این امر می‌تواند به دانشجویانی که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند یا نمی‌توانند به صورت حضوری در دانشگاه تحصیل کنند، کمک کند تا به آموزش عالی دسترسی داشته باشند (اندرسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۲).

بهبود کیفیت آموزش نیز یکی دیگر از چالش‌هایی است که آموزش عالی با آن روبرو است. فناوری می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش کمک کند. به عنوان مثال، فناوری می‌تواند به دانشگاه‌ها کمک کند تا یادگیری فردی را برای دانشجویان کارآتر کنند. این امر می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا مطالب را به روش‌های موثرتری بیاموزند (دینگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). کاهش هزینه‌های آموزش نیز یکی دیگر از چالش‌هایی است که آموزش عالی با آن روبرو است. فناوری می‌تواند به کاهش هزینه‌های آموزش کمک کند. به عنوان مثال، فناوری می‌تواند به دانشگاه‌ها کمک کند تا هزینه‌های عملیاتی خود را کاهش دهند. این امر به نوبه خود به کاهش شهریه کمک می‌کند. در مجموع، فناوری می‌تواند به آموزش عالی کمک کند تا چالش‌های پیش رو را برطرف کند و به یک سیستم آموزشی کارآمدتر و موثرتر تبدیل شود (پینکوس و همکاران، ۲۰۱۷).

موسسات آموزش عالی در مقابل یک مجموعه چالش و فرصت، با اقداماتی هوشمندانه پاسخ‌گو می‌باشند. این چالش‌ها و فرصت‌ها شامل تغییرات مهمی در سه زمینه اساسی هستند. ابتدا، تغییرات در جمعیت دانشجویی نشان‌دهنده این واقعیت است که دانشجویان امروزی از تنوع زیادی در نژاد، قومیت، و پیشینه برخوردارند و انتظارات گوناگونی از آموزش دارند. دومین چالش مربوط به تغییرات در بازار کار است که نیازمند افرادی با مهارت‌های جدید و دانش به‌روز است. در نهایت، تغییرات در فناوری نشانگر پویایی در حوزه آموزش بوده و ممکن است به‌عنوان یک فرصت برای بهبود کیفیت آموزش، یا یک چالش برای موسسات آموزش عالی مطرح شود. برای پاسخ به این چالش‌ها و بهره‌مندی از فرصت‌ها، موسسات آموزش عالی در حال اجرای تغییرات مستمر در برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس و ساختارهای خود هستند. این اقدامات شامل اصلاحات جهت تناسب با نیازهای متنوع دانشجویان، ارتقاء مهارت‌های درخواستی در بازار کار و بهره‌گیری از فناوری به‌عنوان ابزاری برای بهبود فرآیندهای آموزشی می‌شود. این رویکردها نشان‌دهنده

¹ Qasim & Kharbat

² Higher Education

³ Anderson

⁴ Ding

انعطاف‌پذیری و تعهد موسسات آموزش عالی به پیشبرد اهداف خود در یک محیط پویا و متغیر است (چاترتون و گادارد^۱، ۲۰۰۰).

در این میان یک سوال مطرح می‌شود و آن این است که احتمال موفقیت در این روند متغیر، چگونه است؟ در پاسخ باید گفت احتمال موفقیت در تغییر، به عوامل گوناگونی بستگی دارد که این عوامل می‌توانند به شدت تأثیرگذار باشند. اولین عامل مهم در این راستا، میزان حمایت^۲ از تغییر از سوی اعضای جامعه دانشگاهی است. اگر تغییر با حمایت گسترده و فعال از اعضای دانشگاهی مواجه شود، احتمال موفقیت^۳ آن بسیار بالاتر است. این حمایت می‌تواند باعث ایجاد انگیزه، همکار و انسجام^۴ در اجرای تغییرات شود. عامل دیگر تأثیرگذار در موفقیت تغییر، میزان رهبری و مدیریت موثر است. اگر تغییر تحت هدایت رهبرانی که دارای مهارت‌ها و تعهد لازم هستند، صورت گیرد، احتمال رسیدن به اهداف مورد نظر بسیار بیشتر است. رهبران قوی و متعهد قادر به الهام‌بخشی، هدایت، و مدیریت تغییرات به نحوی هستند که افراد را در مسیر موفقیت قرار دهند. همچنین، میزان برنامه‌ریزی و آماده‌سازی دقیق نیز نقش مهمی در احتمال موفقیت تغییرات ایفا می‌کند. اگر تغییر با برنامه‌ریزی دقیق و آماده‌سازی کامل صورت گیرد، امکان پیش‌بینی و مدیریت اثرات جانبی و ایجاد یک فرآیند یسار و مرحله‌به‌مرحله، احتمال موفقیت را افزایش می‌دهد. به طور خلاصه، هر کدام از این عوامل به تنهایی و یا به صورت ترکیبی می‌توانند به موفقیت تغییرات در موسسات آموزش عالی کمک کنند. این اجزاء با تعامل و هماهنگی مناسب، می‌توانند پایه‌ای مستحکم برای پیشروی در مسیر تغییرات موفق فراهم کنند (پینکوس و همکاران، ۲۰۱۷).

برنامه ریزی استراتژیک^۵ به عنوان یک فرآیند اساسی، در سازمان‌ها جهت تعیین اهداف و راهبردهای خود به کار می‌رود. این فرآیند ابزاری قدرتمند است که در محیط‌های پویا و پیچیده کمک می‌کند تا سازمان‌ها با تغییرات سریع و پیوسته در محیط خود هماهنگ شده و موفق عمل کنند (نلسون^۶ و همکاران، ۱۹۹۸).

در حوزه آموزش عالی، برنامه‌ریزی استراتژیک اهمیت ویژه‌ای دارد. این اهمیت به چند نکته مهم بازمی‌گردد:

- تعیین جهت و هدف^۷: برنامه‌ریزی استراتژیک به موسسات آموزش عالی کمک می‌کند تا جهت و هدف خود را به صورت روشن و واضح مشخص کنند. این امر باعث ایجاد یک رویکرد کلان و هماهنگ در کل سازمان می‌شود.
- تخصیص موثر منابع^۸: این فرآیند به موسسات آموزش عالی این امکان را می‌دهد که منابع خود را به طور موثرتر و با اولویت‌بندی صحیح تخصیص دهند. این بهبود در تخصیص منابع، به موسسات کمک می‌کند تا به حداکثر کارایی و اثربخشی برسند.
- کاهش ریسک‌ها^۹: برنامه‌ریزی استراتژیک به موسسات کمک می‌کند تا با تجزیه و تحلیل دقیق محیط خود، ریسک‌ها را شناسایی کرده و به حداقل برسانند. این اقدام باعث مقابله بهتر با چالش‌ها و مسائل ناشی از تغییرات می‌شود.

¹ Chatterton & Goddard

² Protection

³ Probability of Success

⁴ Cohesion

⁵ Strategic Planning

⁶ Nelson

⁷ Direction and purpose

⁸ Effective allocation of resources

⁹ Risks

➤ استفاده از فرصت‌ها^۱: برنامه‌ریزی استراتژیک به موسسات آموزش عالی کمک می‌کند تا فرصت‌های موجود در محیط را بهینه‌سازی کرده و به نحو احسن از آنها استفاده کنند. این امر باعث پیشرفت و توسعه پایدار سازمان می‌شود. به طور کلی، برنامه‌ریزی استراتژیک به عنوان یک ابزار استراتژیک برای مدیریت آموزش عالی، در موفقیت و توسعه پایدار این نهادها نقش مؤثر و حیاتی دارد (پینکوس و همکاران، ۲۰۱۶).

در راستای پاسخ به چالش‌ها و بهره‌مندی از فرصت‌ها، نهادهای آموزشی اقدامات متعددی را در دستور کار قرار داده‌اند. یکی از این اقدامات، تغییر در برنامه‌های درسی می‌باشد. بسیاری از دانشگاه‌ها به منظور پاسخگویی به نیازهای متنوع دانشجویان، تغییرات گسترده‌ای در برنامه‌های درسی خود اعمال کرده‌اند. به عنوان نمونه، دانشگاه‌ها در زمینه‌های فناوری، علوم داده و پایداری، برنامه‌های درسی جدیدی ارائه می‌دهند (لاوسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۵).

رویکرد دیگری که نهادهای آموزشی به آن پرداخته‌اند، تغییر در روش‌های تدریس است. این تغییرات با هدف پاسخگویی به نیازهای یادگیری دانشجویان صورت گرفته‌اند. برای مثال، دانشگاه‌ها در حال حاضر از فناوری‌های نوین برای ارائه آموزش‌های آنلاین و هیبریدی استفاده می‌کنند، تا بهترین تجربه یادگیری را فراهم آورند. همچنین، تغییرات در ساختار نهادی نیز به عنوان یک پاسخ به چالش‌های^۳ جدید ظاهر شده‌اند. برخی از دانشگاه‌ها در جهت پاسخگویی به این چالش‌ها، تغییراتی در ساختار خود ایجاد کرده‌اند. به عنوان مثال، ایجاد مدارس جدید یا مراکز تحقیقاتی از جمله این تغییرات می‌باشد. این تحولات تنها چند نمونه از پاسخ‌های نهادی به چالش‌ها و فرصت‌ها هستند که با گذشت زمان قطعاً، موارد جدیدتری نیز اضافه خواهند شد. پاسخ‌های نهادی به طور مداوم در حال تطابق با نیازها و تغییرات محیط هستند که با هدف بهبود کیفیت آموزش و پاسخگویی به نیازهای متنوع و پویای دانشجویان انطباق دارد (لاوسون و همکاران، ۲۰۱۵).

پیامدهای دانشگاهی حسابداری^۴ به اثرات تغییرها در آموزش عالی بر حسابداری دانشگاهی اشاره دارد. این تغییرات می‌تواند شامل تغییرات در جمعیت دانشجویی، بازار کار، یا فناوری باشد. تغییرات در آموزش عالی می‌تواند تأثیرات زیادی بر حسابداری دانشگاهی داشته باشد. مهم است که دانشگاه‌ها، اعضای هیئت علمی حسابداری و دانشجویان حسابداری به این تغییرات توجه داشته باشند و خود را برای این تغییرات آماده کنند (پینکوس و همکاران، ۲۰۱۷). این پیامدها می‌تواند ابعاد و زمینه‌های متفاوتی را شامل شود که عبارتند از:

الف) پیامدهای برنامه‌های حسابداری

پیامدهای برنامه‌های حسابداری به تأثیرات گسترده‌ای در دسته‌های مختلف افراد و جوامع اشاره دارد. این تغییرات، که ممکن است شامل تغییرات در محتوا، روش‌های تدریس، و یا ساختار برنامه‌های حسابداری باشد، تأثیرات قابل توجهی را در ادراک و ارتباطات با دانشجویان، کارفرمایان، و جامعه ایجاد می‌کند. یکی از اصلی‌ترین پیامدهای این تغییرات، توانمندسازی دانشجویان برای موفقیت در بازار کار است. برنامه‌های حسابداری ملزم به ارائه مهارت‌ها و دانش لازم برای تسلط بر مفاهیم حسابداری و استفاده اثربخش از ابزارهای حسابداری جدید می‌باشند. این اقدام به دانشجویان این امکان

¹ Opportunities

² Lawson

³ challenges

⁴ Academic implications of accounting

را می‌دهد تا با چالش‌های پیش آمده در محیط کسب و کار مواجه شده و به موفقیت در بازار کار دست یابند (فوگارتی^۱ و همکاران، ۲۰۱۶).

همچنین، پیامدهای برنامه‌های حسابداری در زمینه تأمین نیروی کار ماهر برای اقتصاد نیز حائز اهمیت است. این برنامه‌ها مسئولیت فراهم کردن افراد با مهارت‌ها و دانش حسابداری را برعهده دارند تا نیازهای اقتصاد به نیروی کار ماهر تأمین شود. در پایان، یکی از اهداف مهم برنامه‌های حسابداری ارتقاء حرفه حسابداری می‌باشد. این برنامه‌ها مسئولیت دارند تا با ارائه مفاهیم پیشرفته حسابداری، افراد را در جهت بهبود و ارتقاء حرفه حسابداری تربیت نمایند. از این رو، پیامدهای برنامه‌های حسابداری به‌طور مستقیم در بهبود کیفیت نیروی کار حسابداری و در نهایت تحقق اهداف اقتصادی و حرفه‌ای جامعه مؤثر می‌شود (فوگارتی و همکاران، ۲۰۱۶).

برای بهبود پیامدهای برنامه‌های حسابداری، می‌توان به چند نکته کلیدی اشاره کرد. اولین نکته این است که برنامه‌های حسابداری باید تمرکز خود را بر مهارت‌های کاربردی و تحلیلی افزایش دهند. این مهارت‌ها، از جمله مهارت‌های حسابداری، تحلیلی، حل مسئله، ارتباطی، و کار تیمی، دانشجویان را برای ورود به بازار کار آماده می‌سازند. نکته دوم مربوط به استفاده از فناوری‌های جدید در آموزش حسابداری است. این فناوری‌ها می‌توانند بهبودهای مهمی در تجربه یادگیری دانشجویان ایجاد کنند. دانشگاه‌ها باید از این فرصت استفاده کنند و با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، محیطی جذاب و تعاملی برای یادگیری ایجاد کنند. همچنین، تقویت همکاری بین اعضای هیئت علمی و صنعت نیز یک گام مهم به سوی بهبود برنامه‌های حسابداری است. این همکاری می‌تواند به اطمینان از ارتباط برنامه‌ها با نیازهای بازار کار کمک کند و دانشجویان را برای مواجهه با چالش‌های حقیقی حسابداری آماده سازد. آخرین نکته مرتبط با حمایت از پژوهش در زمینه‌های حسابداری است که در بازار کار مورد تقاضا هستند. این پژوهش‌ها می‌توانند به دانشگاه‌ها در به‌روزرسانی برنامه‌های حسابداری به‌گونه‌ای کمک کنند که با نیازهای روز و مورد تقاضا در بازار کار هماهنگ باشند. از این رو، حمایت از پژوهش در زمینه‌های حسابداری استراتژیک می‌تواند به بهبود پیشرفت و ارتقاء برنامه‌های حسابداری کمک کند (تتامانزی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳).

ب) پیامدهای فردی اعضای هیئت علمی^۳ حسابداری

پیامدهای فردی اعضای هیئت علمی حسابداری به اثرات تغییرها در آموزش عالی بر آنها اشاره دارد. تغییرات در آموزش عالی می‌تواند منجر به تغییر در شرایط شغلی اعضای هیئت علمی حسابداری شود. به عنوان مثال، ممکن است اعضای هیئت علمی مجبور شوند برای رقابت با اعضای هیئت علمی دیگر، مهارت‌ها و دانش خود را به روز کنند. از طرفی می‌تواند منجر به تغییر در رضایت شغلی اعضای هیئت علمی حسابداری شود. همچنین می‌تواند منجر به تغییر در فرصت‌های پیشرفت شغلی اعضای هیئت علمی حسابداری شود. به عنوان مثال، ممکن است اعضای هیئت علمی مجبور شوند برای پیشرفت شغلی، به سمت رشته‌های جدید حسابداری یا روش‌های جدید تدریس روی آورند (لاوسون و همکاران، ۲۰۱۵). که البته بسیاری از اساتید در برابر این تغییرات و به روز شدن، مقاومت دارند که می‌تواند در این زمینه

¹ Fogarty

² Tettamanzi

³ Faculty members

چالش ایجاد کند و از جمله دلایلی که باعث مقاومت می‌شود، نبود انگیزه، عدم مشوق‌های مالی، بالا رفتن سن و غیره می‌باشد.

ب-۱) آگاه بودن از نیروهای تغییر در آموزش عالی

اعضای هیئت علمی حسابداری باید از نیروهای تغییر در آموزش عالی آگاه باشند تا بتوانند خود را برای این تغییرات آماده کنند (کیوسترس^۱ و همکاران، ۲۰۲۳) البته شایان ذکر است که تغییرات اساسی در برنامه‌های آموزشی از حیث وظایف و اختیارات اساتید خارج و نیازمند این است که تغییرات با مشورت این افراد صورت پذیرد. این نیروهای تغییر می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- تغییرات در جمعیت دانشجویی: جمعیت دانشجویی در حال تغییر است. به عنوان مثال، تعداد دانشجویان بین‌المللی در حال افزایش است. اعضای هیئت علمی حسابداری باید از این تغییرات آگاه باشند تا بتوانند برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس خود را با نیازهای این جمعیت دانشجویی سازگار کنند.
- تغییرات در بازار کار: بازار کار در حال تغییر است. به عنوان مثال، تقاضا برای مهارت‌های حسابداری تحلیلی در حال افزایش است. اعضای هیئت علمی حسابداری باید از این تغییرات آگاه باشند تا بتوانند برنامه‌های درسی خود را با نیازهای بازار کار سازگار کنند.
- تغییرات در فناوری: فناوری در حال تغییر است. به عنوان مثال، فناوری‌های جدید می‌توانند به آموزش و یادگیری حسابداری کمک کنند. اعضای هیئت علمی حسابداری باید از این تغییرات آگاه باشند تا بتوانند از فناوری‌های جدید برای بهبود آموزش و یادگیری استفاده کنند (تتامنتسی و همکاران، ۲۰۲۳).

ب-۲) فرصت‌های توسعه حرفه‌ای اعضای هیئت علمی مرتبط با تدریس

اعضای هیئت علمی حسابداری باید از فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مرتبط با تدریس بهره‌مند شوند تا بتوانند مهارت‌های تدریس خود را بهبود بخشند. این فرصت‌ها می‌تواند شامل دوره‌های آموزشی در زمینه‌های تدریس، یادگیری، و ارزیابی باشد که توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی ارائه می‌شوند. همچنین، سمینارها و کنفرانس‌ها نیز به عنوان فرصت‌های مهم برای اعضای هیئت علمی و متخصصان حسابداری برای به اشتراک‌گذاری تجارب و دانش در زمینه تدریس و حسابداری مطرح می‌شوند (گراسیو^۲ و همکاران، ۲۰۲۳).

به وسیله شرکت در این تجمعات، اعضای هیئت علمی می‌توانند با سایر همکاران و متخصصان ارتباط برقرار کرده و از تبادل نظرها و ایده‌ها برای بهبود فعالیت‌های تدریس و حوزه حسابداری بهره‌مند شوند. علاوه بر این، شبکه‌سازی با سایر اعضای هیئت علمی نقش مهمی در افزایش دانش و توانمندی‌های تدریسی ایفا می‌کند، زیرا این ارتباطات می‌تواند به تبادل تجارب و راهکارهای مؤثر در تدریس و موضوعات حسابداری منجر شوند (الحطاب^۳ و همکاران، ۲۰۲۳).

ب-۳) آینده نگری هنگام انتخاب پروژه‌های تحقیقاتی جدید

¹ Kusters

² Grácio

³ Elhatab

اعضای هیئت علمی حسابداری باید هنگام انتخاب پروژه‌های تحقیقاتی جدید، به آینده فکر کنند. به این معنی که باید پروژه‌هایی را انتخاب کنند که با نیازهای بازار کار و جامعه سازگار باشد. این امر به اعضای هیئت علمی کمک می‌کند تا تحقیقات خود را به طور موثرتری به جامعه ارائه دهند و تأثیر بیشتری بر جهان داشته باشند.

اعضای هیئت علمی حسابداری با رعایت چند نکته کلیدی می‌توانند بهبود پیامدهای فردی خود را حاصل کنند و در پی تحقیقات و تدریس با اثربخشی عمل کنند. آگاهی از نیروهای تغییر در حوزه آموزش عالی امری اساسی است. این اعضا باید با تغییرات مختلف در روند آموزش و یادگیری آشنا بوده و بتوانند با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی که این تغییرات ایجاد می‌کنند، سازگاری داشته باشند. از فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مرتبط با تدریس باید بهره‌مند شوند. شرکت در دوره‌های آموزشی و مشارکت در کنفرانس‌ها و سمینارهای مرتبط با تدریس، آن‌ها را به افزایش مهارت‌های تدریس و ارتقاء کیفیت آموزشی خود تشویق می‌کند. هنگام انتخاب پروژه‌های تحقیقاتی جدید، اعضای هیئت علمی باید به آینده فکر کنند. این شامل انتخاب مسائل تحقیقاتی است که می‌توانند نقش مهمی در توسعه دانش حسابداری و ارتقاء افکار و ایده‌ها در زمینه تدریس داشته باشند. با رعایت این نکات، اعضای هیئت علمی حسابداری می‌توانند خود را برای تغییرات در آموزش عالی آماده کنند و تأثیر مثبتی بر دانشجویان، دانشگاه‌ها، و جامعه به وجود آورند (لنوکس^۱ و همکاران، ۲۰۱۲).

۴- پیشینه پژوهش

پیری سقرلو و تحریری (۱۴۰۲) در پژوهشی به مؤلفه‌های کلان تأثیرگذار بر توسعه آموزش رشته حسابداری در دانشگاه‌های ایران پرداختند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ۱۰ مؤلفه کلان (مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، پدیده‌های اجتماعی و تاریخی، دولت، الزامات قانونی، حساب‌خواهی و حسابداری، دانشگاه‌ها و سایر مراکز و نهادها، ارتباطات آموزشی و پژوهشی و صلاحیت و شایستگی دانشگاه‌ها)، بر توسعه آموزش رشته حسابداری در دانشگاه‌های ایران تأثیرگذار است.

فریدونی و روحانی (۱۴۰۱) در پژوهشی به سیاست‌های گسترش کمی آموزش عالی در ایران و پیامدهای آن بر عدالت آموزشی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که سیاست‌های گسترش کمی آموزش عالی در ایران با هدف بهبود عدالت آموزشی و دسترسی به آموزش عالی آغاز شد، اما این سیاست‌ها به دلیل کژکارکردی‌هایی که در درک مفاهیم عدالت آموزشی و دسترسی وجود داشت، نتوانستند به اهداف خود دست یابند. گسترش کمی آموزش عالی علاوه بر افت کیفیت دانشگاه، باعث شد که عدالت آموزشی در این حوزه نیز بهبود نیابد.

فریدونی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به گسترش کمی آموزش عالی با تأکید بر پیامدهای اجتماعی؛ نظریه‌ای داده بنیاد پرداخت. نتایج نشان داد که افزایش دسترسی به آموزش عالی به عنوان مطالبه‌ای همگانی، مبتنی بر قانون اساسی و انباشت نسلی، به سیاست‌های گسترش کمی منجر شده است. این گسترش از نظر مشارکت کنندگان، به افزایش سطح آگاهی، رشد شهری، تغییر سبک زندگی، شکل‌گیری هنجارهای جدید اجتماعی، و ایجاد تأثیرات منفی نظیر بی‌ارزش شدن مدرک تحصیلی، کاهش کیفیت آموزش عالی، و افزایش بیکاری منطقه‌ای انجامیده است.

¹ Lennox

مادیسون^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی به این موضوع پرداخت که چگونه می‌توان آموزش تحصیلات عالی حسابداری را از جایگاه مناسبی در حالی که استفاده از فناوری نقش حسابداری را تغییر می‌دهد، حفظ کرد؟. مطالعه فوق نشان می‌دهد که استفاده از فناوری به همراه تغییرات در نقش حسابداران، چالش‌های جدیدی را برای آموزش عالی حسابداری به وجود آورده است. برنامه‌های درسی سنتی به نظر می‌رسد که قادر به ارتقاء مهارت‌های لازم برای فارغ‌التحصیلان نیستند، که این موضوع می‌تواند فرصت‌های شغلی آنها را کاهش دهد و ارتباط حسابداری با حرفه‌ایان حسابداری را به خطر بیندازد. این مطالعه برنامه درسی‌ای را ارائه می‌دهد که به اعضای هیأت علمی حسابداری کمک می‌کند تا ارتباط حسابداری با بازار کار را بهبود بخشند و قابلیت استخدام فارغ‌التحصیلان حسابداری را افزایش دهند. به علاوه، مطالعه نشان می‌دهد که توافق بین حرفه‌ایان حسابداری و اعضای هیأت علمی دشوار است و تغییر در برنامه درسی توسط منطق‌های سازمانی موجود در دانشگاه‌های عالی ممکن است مختل شود. این مطالعه نقشی مهم در افزودن به دانش موجود دارد و با ارائه یک چارچوب برنامه درسی عملی، به تمام طرف‌های متعلقه ارزش می‌افزاید.

آل-حزیمه^۲ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی به ادغام آموزش برای توسعه پایدار در آموزش حسابداری: دیدگاه‌های مهم ذی‌نفعان پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که آموزش برای توسعه پایدار در حسابداری مهم است، اما اکثر ذی‌نفعان برجسته اردنی به دلیل کمبود قدرت قادر به ادغام آن در برنامه درسی نیستند. توزیع نامناسب قدرت، مشروعیت و فوریت بین ذی‌نفعان نیازمند راه‌حلی پیشرو است. ذی‌نفعان خواستار اقدام دولت اردن برای فراهم کردن این موارد هستند تا مریان حسابداری بتوانند آموزش پایدار را در برنامه درسی ادغام کنند.

لیزاردو^۳ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به تطبیق دانشجویان و اساتید در آموزش عالی پرداخت. نتایج نشان داد که قوانین تخصیص اساتید به دانشجویان در آموزش عالی تأثیر قابل توجهی بر یادگیری و موفقیت تحصیلی دانشجویان دارد. در حالی که دانشجویان تمایل دارند استادانی را انتخاب کنند که نمرات بالاتری به آنها می‌دهند، تخصیص دانشجویان به اساتید بهینه یادگیری می‌تواند باعث افزایش قابل توجه یادگیری و کاهش ترک تحصیل شود. سیاستمداران آموزشی باید در نظر داشته باشند که تخصیص اساتید به دانشجویان را بهبود بخشند تا کیفیت آموزش عالی را افزایش دهند.

آسونیتو^۴ (۲۰۲۲) در پژوهشی به موانع و فشارها برای گنجاندن مهارت‌های نرم در مطالعات حسابداری آموزش عالی پرداخت. مهارت‌های نرم می‌توانند به طور قابل توجهی فرصت‌های شغلی حسابداران را بهبود دهند، آنها هم در صنعت و هم در حسابرسی فعالیت می‌کنند. کمبود همکاری‌های موثر دانشگاه‌های عالی با سازمان‌های خارجی، بالاترین مانع توسعه مهارت‌هاست، در حالی که فشارهای ظاهری از اجبار برای تطابق با توصیه‌های اتحادیه اروپا و توافقنامه بولونیا به وجود می‌آیند. مصاحبه‌ها نیز چالش‌های مربوط به دیدگاه‌ها درباره "بازاریابی" آموزش عالی و پیروی سطحی از سیاست‌های تحت فشار سازمان‌های فراسرزمینی را آشکار کردند.

عالم^۵ (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر شیوه‌های منابع انسانی دانشگاه بر عملکرد شغلی اساتید از بخش آموزش عالی در کشور هند پرداخت. نتایج نشان داد که شیوه‌های مدیریت منابع انسانی سنتی مانند استخدام و گزینش، دوره‌های

¹ Maddison

² Al-Hazaima

³ Lizardo

⁴ Asonitou

⁵ Alam

آموزشی معلمان و برنامه‌های توسعه اعضای هیئت علمی، ارزیابی عملکرد و دستمزد، به دلیل رضایت شغلی بهبود یافته، تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر عملکرد شغلی و بهره‌وری کلاس اساتید دارند. بنابراین، سیاستمداران آموزشی باید توجه بیشتری به این موضوع داشته باشند و تلاش کنند تا شیوه‌های مدیریت منابع انسانی را بهبود بخشند تا بهره‌وری کلاس اساتید افزایش یابد.

اولموس-گومز^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی کیفیت در آموزش عالی و رضایت اساتید و دانشجویان پرداختند. نتایج نشان داد که تفاوت‌های معناداری بین رضایت دانشجویان و اساتید از کیفیت آموزشی در آموزش عالی در ایتالیا (ناپل) را نشان داد. دانشجویان سطح بالاتری از رضایت از کیفیت را در مورد هماهنگی اساتید و کارکنان در فرآیند آموزشی گزارش کردند. بنابراین، توصیه می‌شود که دانشجویان را بیشتر در مدیریت مستقیم مرکز مشارکت دهند و این یک شاخص برای در نظر گرفتن در خود ارزیابی باشد.

۵- نتیجه‌گیری

آموزش عالی، به عنوان یکی از ارکان اصلی پیشرفت و توسعه جامعه، همواره در حال تحول و تغییر بوده است. در سال‌های اخیر، این تغییرات با سرعت بیشتری رخ داده‌اند و عواملی مانند پیشرفت‌های فناوری، تغییرات جمعیتی و افزایش رقابت بین دانشگاه‌ها این تغییرات را تشدید کرده‌اند. آکادمی حسابداری نیز از این تغییرات مستثنی نبوده است. پیشرفت‌های فناوری، تغییرات در حرفه حسابداری و افزایش تقاضا برای آموزش حسابداری، همگی بر این حوزه تأثیر گذاشته‌اند و نیازهای جدیدی را ایجاد کرده‌اند. براساس یافته‌های این مقاله، آکادمی حسابداری باید به این تغییرات پاسخ دهد و خود را با آنها سازگار کند. این امر نیازمند مشارکت فعال اعضای هیئت علمی، بازنگری در برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس و ایجاد همکاری‌های دانشگاهی است. اعضای هیئت علمی با انجام تحقیقات و پژوهش‌های جدید می‌توانند به بروز نیازهای جدید این حوزه پاسخ دهند و برنامه‌های درسی جدید و به روز طراحی کنند. همچنین، با مشارکت فعال در کنفرانس‌ها و همایش‌ها، می‌توانند تجارب خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و به توسعه مشترک میان تحقیقات و آموزش در این حوزه کمک کنند. از سوی دیگر، با ایجاد همکاری‌های نزدیک دانشگاه با حرفه حسابداری، می‌توانند به ارتقای ارتباط دانشگاه با بازار کار و بهبود آمادگی دانشجویان برای ورود به بازار کار کمک کنند.

تغییرات در آموزش عالی تأثیرات گوناگونی بر برنامه‌های حسابداری داشته است. از جمله این تأثیرات می‌توان به افزایش توجه به آموزش‌های کاربردی و مهارت‌محور، افزایش رقابت بین دانشگاه‌ها، و ایجاد شکاف مهارتی و صلاحیتی در بازار کار اشاره کرد. این تغییرات همچنین پیامدهای مختلفی برای اعضای هیئت علمی حسابداری داشته است، از جمله نیاز به یادگیری و توسعه مداوم، افزایش مسئولیت‌ها، و نیاز به همکاری‌های بین‌المللی.

برای سازگاری آکادمی حسابداری با تغییرات، انجام اقدامات متعددی ضروری است. نخست، مشارکت فعال اعضای هیئت علمی در فرآیند تصمیم‌گیری در مورد تغییرات در آموزش حسابداری اهمیت دارد. این مشارکت می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات بهتری شود. دوم، بازنگری در برنامه درسی و روش‌های تدریس به منظور پاسخگویی به نیازهای جدید بازار کار ضروری است. این امر نیازمند همکاری میان اعضای هیئت علمی، مدیران دانشگاه و کارفرمایان است.

¹ Olmos-Gómez

در نهایت، ایجاد همکاری‌های دانشگاهی و بین‌المللی به اعضای هیئت علمی کمک می‌کند تا از آخرین دستاوردهای پژوهشی و آموزشی در حوزه حسابداری آگاه شوند. این همکاری‌ها کیفیت آموزش و پژوهش در حسابداری را ارتقا داده و آکادمی را قادر می‌سازد تا به نیازهای پویا و متغیر در حوزه حسابداری پاسخ دهد.

تغییرات در آموزش عالی اجتناب‌ناپذیر است و آکادمی حسابداری باید به این تغییرات واکنش نشان داده و خود را با آن‌ها تطبیق دهد. این امر مستلزم مشارکت فعال اعضای هیئت علمی، بازنگری در برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس، و ایجاد همکاری‌های دانشگاهی است. این اقدامات باعث خواهند شد تا آکادمی حسابداری بتواند به‌طور موثرتری به نیازهای جدید بازار کار پاسخ دهد و کیفیت آموزش حسابداری را بهبود بخشد.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، می‌توان به نتایج و راهکارهای زیر اشاره کرد:

- (۱) تأثیر فناوری بر برنامه‌های درسی و نقش حسابداران: مطالعه مادیسون (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که تحولات در فناوری و تغییر نقش حسابداران، به چالش‌هایی برای آموزش عالی حسابداری منجر شده است. برنامه‌های درسی نیازمند بهبود و اصلاح برای ارتقاء مهارت کاربردی و ارتباط بهتر با بازار کار هستند.
 - (۲) آموزش برای توسعه پایدار و ادغام آن: پژوهش آل-حزیمه و همکاران (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که توسعه پایدار در حسابداری اهمیت دارد، اما ادغام آن در برنامه‌های درسی به دلیل مشکلاتی از جمله توزیع نامناسب قدرت و فوریت با چالش روبروست. راهکارهایی برای بهبود ادغام و توافق بین ذی‌نفعان لازم است.
 - (۳) تخصیص بهینه اساتید و تأثیر آن بر کیفیت آموزش: تحقیق لیزاردو (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که تخصیص بهینه اساتید به دانشجویان می‌تواند بهبود قابل توجهی در یادگیری و کاهش ترک تحصیل داشته باشد. سیاستمداران آموزشی باید این موضوع را در نظر بگیرند و سیستم‌های تخصیص را بهبود بخشند.
 - (۴) مدیریت منابع انسانی و عملکرد اساتید: پژوهش عالم (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که شیوه‌های مدیریت منابع انسانی مانند استخدام، ارتقاء، ارزیابی عملکرد و دستمزد بهبود یافته، به بهره‌وری و عملکرد اساتید کمک می‌کنند. بهبود این شیوه‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش عالی در حسابداری کمک کند.
- با توجه به این نتایج، راهکارهای بهبود برای نیروهای تغییر در آموزش عالی حسابداری شامل موارد زیر می‌تواند:
- بهبود و به‌روزرسانی برنامه‌های درسی: اصلاح برنامه‌های درسی با تأکید بر مهارت‌های جدید مورد نیاز صنعت حسابداری و فناوری، به منظور افزایش فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان.
 - تقویت همکاری با صنعت: افزایش همکاری با صنعت حسابداری برای اطمینان از اینکه برنامه‌های درسی بهینه‌سازی شده و با نیازهای بازار کار هماهنگ باشند.
 - توسعه مدیریت منابع انسانی: بهبود شیوه‌های مدیریتی مانند استخدام، ارتقاء، ارزیابی عملکرد و دستمزد اساتید به منظور افزایش رضایت و عملکرد آنها.
 - توسعه توافق و هماهنگی با ذی‌نفعان: ارتقاء هماهنگی و توافق بین ذی‌نفعان از جمله صنعت حسابداری، اساتید و سیاستمداران آموزشی برای بهبود ادغام آموزش برای توسعه پایدار.
- این راهکارها به دانشگاه‌ها کمک می‌کنند تا بهبود مستمری را در آموزش عالی حسابداری ایجاد کرده و با نیازهای روزافزون صنعت حسابداری همگام شوند.

۶- پیشنهادات پژوهش

۶-۱- پیشنهادات کاربردی

چند پیشنهاد کاربردی برای آکادمی حسابداری در راستای نیروهای تغییر در آموزش عالی ارائه شده است:

- توسعه برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر

مؤسسات آموزشی حسابداری باید برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیری را ارائه دهند که نیازهای دانشجویان مختلف را برآورده کند. این برنامه‌ها می‌تواند شامل برنامه‌های آموزش آنلاین، برنامه‌های آموزش نیمه‌حضوری و برنامه‌های آموزش ترکیبی باشد.

- تمرکز بر مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی

مؤسسات آموزشی حسابداری باید به تقویت مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی تمرکز کنند، زیرا این مهارت‌ها برای دانشجویان حیاتی هستند تا بتوانند با موفقیت واکنش نشان دهند و در مقابل چالش‌های پیش آمده در بازار کار امروز قرار گیرند. در حقیقت، این مهارت‌ها نه تنها به دانشجویان در یادگیری عمیق و درک شغلی کمک می‌کنند، بلکه آنها را به تفکر کارآمد و تسلط بر مسائل پیچیده تر مجهز می‌سازند.

- استفاده از فناوری‌های جدید در آموزش

مؤسسات آموزشی حسابداری به بهره‌گیری از فناوری‌های جدید می‌توانند بهبود قابل توجهی در کیفیت آموزش و دسترسی به آموزش داشته باشند. از جمله فناوری‌های مورد استفاده می‌توان به واقعیت افزوده^۱ برای تجسم بهتر مفاهیم حسابداری، یادگیری مبتنی بر بازی^۲ برای تقویت تفکر انتقادی دانشجویان، یادگیری مبتنی بر موبایل^۳ برای دسترسی آسان به منابع آموزشی، هوش مصنوعی^۴ برای بهبود تحلیل داده‌های مالی، و آموزش مجازی و آنلاین برای افزایش انعطاف‌پذیری در یادگیری اشاره کرد. این فناوری‌ها به دانشجویان کمک می‌کنند تا مهارت‌های لازم برای مواجهه با چالش‌های پیچیده و متغیر بازار کار حسابداری را بیاموزند و از جایگاه مناسبی در بازار کار بهره‌مند شوند.

- همکاری با مؤسسات حرفه‌ای حسابداری

مؤسسات آموزشی حسابداری برای بهبود کیفیت آموزش و تأمین نیازهای بازار کار نباید از همکاری با مؤسسات حرفه‌ای حسابداری غافل بمانند. این همکاری می‌تواند باعث ایجاد هماهنگی بین محتوای آموزشی و مهارت‌های مورد انتظار در حرفه حسابداری شود. با اشتراک دانش و تجربیات، مؤسسات حرفه‌ای می‌توانند نیازهای واقعی و تغییرات متداول در بازار کار را به آموزشگاه‌ها ارائه دهند. این همکاری می‌تواند شامل برنامه‌های کارگاهی، کنفرانس‌ها، و تجربه‌های عملی باشد که به دانشجویان امکان می‌دهد تا مهارت‌های عملی را در محیط واقعی یاد بگیرند. به عنوان مثال، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مشترک بین دانشگاه‌ها و مؤسسات حرفه‌ای می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا با ابزارها و نرم‌افزارهای مورد استفاده در حسابداری آشنا شوند و مهارت‌های عملی را به دست آورند. همچنین، برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های مشترک می‌تواند فرصت مناسبی برای تبادل دیدگاه‌ها و ایده‌ها بین دانشگاه‌ها و صنعت باشد و بهبود مستمر برنامه‌های آموزشی را تضمین کند. این همکاری، آموزشگاه‌ها را قادر می‌سازد تا در کنار

^۱ Augmented Reality - AR

^۲ Gamification

^۳ Mobile Learning

^۴ Artificial Intelligence - AI

تغییرات رو به رشد تکنولوژی و نیازهای متغیر بازار کار، همگام باشند و فارغ‌التحصیلان خود را برای مواجهه با چالش‌های پیش‌رو آماده کنند.

این پیشنهادات می‌تواند به آکادمی حسابداری کمک کند تا با نیروهای تغییر در آموزش عالی سازگار شود و به دانشجویان خود آموزش‌های با کیفیتی ارائه دهد.

۶-۲- پیشنهادات آتی

برای تحقیقات آتی، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- (۱) بررسی تأثیرات فناوری‌های نوین بر آموزش حسابداری
 - (۲) تحلیل تغییرات جمعیتی و تأثیر آن بر تقاضای آموزش حسابداری
 - (۳) بررسی افزایش رقابت بین دانشگاه‌ها و پیامدهای آن برای رشته حسابداری
 - (۴) ارزیابی نقش آموزش‌های کاربردی و مهارت‌محور در برنامه‌های حسابداری
 - (۵) مطالعه نیازهای بازار کار و تطبیق برنامه‌های درسی حسابداری با این نیازها
 - (۶) بررسی پیامدهای همکاری‌های بین‌المللی بر آموزش حسابداری
 - (۷) تحلیل تغییرات در مسئولیت‌ها و نقش‌های اعضای هیئت علمی حسابداری
 - (۸) بررسی شکاف مهارتی و صلاحیتی در بازار کار حسابداری
- این پیشنهادات می‌توانند به تحقیقات جامع و کاربردی منجر شوند که به بهبود کیفیت آموزش حسابداری و تطبیق آن با نیازهای متغیر بازار کار و جامعه کمک کنند.

منابع و مآخذ

- پیری سقرلو، مهدی؛ تحریری، آرش. (۱۴۰۲). مؤلفه‌های کلان تأثیرگذار بر توسعه آموزش رشته حسابداری در دانشگاه‌های ایران. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵(۵۸)، ۶۷-۱۱۸.
- فریدونی، سمیه. (۱۴۰۱). گسترش کمی آموزش عالی با تأکید بر پیامدهای اجتماعی؛ نظریه‌ای داده بنیاد. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۳(۴)، ۶۹-۹۶.
- داغانی، رضا و مرادی، عزیزاله. (۱۳۹۸). بررسی ساختار تأمین مالی در آموزش عالی در ایران و سایر کشورها، همایش ساماندهی آموزش عالی: سناریوهای پیش‌رو، تهران.
- فریدونی، سمیه؛ روحانی، شادی. (۱۴۰۱). سیاست‌های گسترش کمی آموزش عالی در ایران و پیامدهای آن بر عدالت آموزشی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۵(۲)، ۱-۲۱.
- فیضی، مهدی؛ بیرانوند، مرتضی. (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای تأمین مالی در آموزش عالی ایران با دانشگاه‌های منتخب، کنفرانس جهانی افق‌های نوین در علوم انسانی، آینده پژوهی و توانمند سازی
- Alam, A. (2022). Impact of university's human resources practices on professors' occupational performance: empirical evidence from India's higher education sector. In Inclusive Businesses in Developing Economies: Converging People, Profit, and Corporate Citizenship (pp. 107-131). Cham: Springer International Publishing.
- Al-Hazaima, H., Low, M., & Sharma, U. (2024). The integration of education for sustainable development into accounting education: stakeholders' salience perspectives. Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management.

- Anderson, J. Q., Boyles, J. L., & Rainie, L. (2012). The Future Impact of the Internet on Higher Education: Experts Expect More Efficient Collaborative Environments and New Grading Schemes; They Worry about Massive Online Courses, the Shift Away from On-Campus Life. Pew Internet & American Life Project.
- Asonitou, S. (2022). Impediments and pressures to incorporate soft skills in Higher Education accounting studies. *Accounting Education*, 31(3), 243-272.
- Autor, D. H., & Dorn, D. (2013). The growth of low-skill service jobs and the polarization of the US labor market. *American economic review*, 103(5), 1553-1597.
- Bolton, P. (2018). Tuition fee statistics. House of the Commons Library, Briefing Paper, (917).
- Boyle, D. M., Carpenter, B. W., & Hermanson, D. R. (2015). The accounting faculty shortage: Causes and contemporary solutions. *Accounting Horizons*, 29(2), 245-264.
- Chatterton, P., & Goddard, J. (2000). The response of higher education institutions to regional needs. *European Journal of Education*, 35(4), 475-496.
- Ding, W. W., Levin, S. G., Stephan, P. E., & Winkler, A. E. (2010). The impact of information technology on academic scientists' productivity and collaboration patterns. *Management Science*, 56(9), 1439-1461.
- Elhatab, A., binti Muhamad, H., Mustafa, H., Osman, M. N. H., & Shleag, R. (2023). Conceptual Framework To Examine The Influence Of Factors On The Teaching Quality Of Accounting From Accounting Students' Perceptions In Libya. *Journal of Positive School Psychology*, 1493-1514.
- Etzkowitz, H., & Zhou, C. (2017). The triple helix: University-industry-government innovation and entrepreneurship. Routledge.
- Fogarty, T. J., Zimmerman, A. B., & Richardson, V. J. (2016). What do we mean by accounting program quality? A decomposition of accounting faculty opinions. *Journal of Accounting Education*, 36, 16-42.
- Grácio, L., Aguiar, H., Pires, H., & Carapeto, M. J. (2023, March). Teaching and quality of teaching: Conceptions of higher education professors in Sao Tome and Principe. In *Frontiers in Education* (Vol. 8, p. 1144147). Frontiers.
- Hood, D. (2015). Losing sleep: Leaders of the profession on its biggest nightmares. *Accounting Today*, 29 (10)(October), 1+.
- Hussar, W. J., & Bailey, T. M. (2016). Projections of education statistics to 2024 (NCES 2016-013). US Department of Education. National Center for Education Statistics. Washington, DC: US Government Printing Office.
- Kusters, M., van der Rijst, R., de Vetten, A., & Admiraal, W. (2023). University lecturers as change agents: How do they perceive their professional agency?. *Teaching and Teacher Education*, 127, 104097.
- Lawson, R. A., Blocher, E. J., Brewer, P. C., Morris, J. T., Stocks, K. D., Sorensen, J. E., ... & Wouters, M. J. (2015). Thoughts on competency integration in accounting education. *Issues in Accounting Education*, 30(3), 149-171.
- Lennox, C. S., Francis, J. R., & Wang, Z. (2012). Selection models in accounting research. *The accounting review*, 87(2), 589-616.
- Lizardo, L. F. G. (2023). Matching Students and Professors in Higher Education.
- Maddison, A. (2024). How can an academic accounting education remain relevant given that the use of technology is transforming the role of the accountant? (Doctoral dissertation, Northumbria University).
- Nelson, I. T., Bailey, J. A., & Nelson, A. T. (1998). Changing accounting education with purpose: market-based strategic planning for departments of accounting. *Issues in Accounting Education*, 13(2), 301.

- Norton, A., & Cherastidtham, I. (2018). Mapping Australian higher education 2018. Grattan Institute. [Available here](<https://grattan.edu.au/report/mapping-australian-higher-education-2018/>).
- Olmos-Gómez, M. D. C., Luque-Suárez, M., Ferrara, C., & Cuevas-Rincón, J. M. (2021). Quality in higher education and satisfaction among professors and students. *European Journal of Investigation in Health, Psychology and Education*, 11(1), 219-229.
- Orr, D., Usher, A., Wespel, J., & Vossensteyn, H. (2014). Do changes in cost-sharing have an impact on the behaviour of students and higher education institutions? Evidence from nine case studies. European Commission. [Available here](<https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/1e6f7bfa-a04c-11e3-86f9-01aa75ed71a1/language-en>).
- Perkmann, M., & Walsh, K. (2007). University-industry relationships and open innovation: Towards a research agenda. *International journal of management reviews*, 9(4), 259-280.
- Pincus, K. S., Lawson, R. A., Sorensen, J., Stocks, K., & Stout, D. E. (2016). Faculty of the Future: Facing the Forces for Change. Available at SSRN 2844373.
- Pincus, K. V., Stout, D. E., Sorensen, J. E., Stocks, K. D., & Lawson, R. A. (2017). Forces for change in higher education and implications for the accounting academy. *Journal of Accounting Education*, 40, 1-18.
- Qasim, A., & Kharbat, F. F. (2020). Blockchain technology, business data analytics, and artificial intelligence: Use in the accounting profession and ideas for inclusion into the accounting curriculum. *Journal of emerging technologies in accounting*, 17(1), 107-117.
- Tettamanzi, P., Minutiello, V., & Murgolo, M. (2023). Accounting education and digitalization: A new perspective after the pandemic. *The International Journal of Management Education*, 21(3), 100847.
- Usher, A., & Medow, J. (2010). Global higher education rankings 2010. Higher Education Strategy Associates, 30.
- Vien, C. L. (2015). Hiring at public accounting firms hits all-time high. *Journal of Accountancy*, 220(4), 24.
- Zuckerman, M. B. (2015). America's college crisis. *US News and World Report*. Available at: < <http://www.usnews.com/news/the-report/articles/2015/05/29/failing-the-college-test>.

Forces of Change in Higher Education and Implications for the Accounting Academy

Zahrasadat Hosseini *¹
Mahbobeh Panahi Tol Zali ²

Abstract

The purpose of the following research is to examine the forces of change in higher education and its consequences for the accounting academy. This article analyzes and evaluates the existing literature on the forces of change in higher education and attempts to provide the reader with a wealth of information. In this review article, an attempt has been made to provide a comprehensive compilation of research and the results of past research in the desired field. Accounting professors must understand the forces of change in higher education as well as the current state of accounting programs. In the first part of the article, we discuss the forces of change in higher education. In terms of financial forces, tuition increases, tax budget reductions, and increased demand for higher education were discussed in this research. In terms of our technology forces, the technology forces and the accounting profession and the technology forces and higher education were discussed. Also, in the second part of the article, we consider its consequences for academic accounting, which include the consequences of accounting programs and individual consequences of accounting faculty members. The findings show that higher education is changing. Advances in technology, changing student demographics, rising student debt, declining government support, and other factors all have an impact on the accounting academy. These changes have led to increased competition between universities, increased attention to applied and skill-oriented education, and a skills/competency gap in the labor market. The accounting academy must respond to these changes and adapt to them. This requires active involvement of faculty members, revision of curriculum and teaching methods, and establishment of academic collaborations.

Keywords

Forces of change, higher education, accounting academy

¹ Department of Accounting, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran (corresponding author: Za.Hosseini@iau.ac.ir)

² PhD student in accounting, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran (Mahbobpanhi614@gmail.com)